

پیش‌خواب

«طالبان»
در آینه نظری از نزدیک

ارائه تصویری واقعی از یک جریان فکری-سیاسی

■ **سمانه صادقی**



اسلام‌گرای مصری تألیف شده، وحید خضاب به ترجمه آن پرداخته و انتشارات شهید کاظمی منتشرش ساخته است. تارنمای ناشر در باب موضوع این کتاب به نکات پی آمده اشارت برده است: «تا پیش از ظهور وحوش القاعده و داعش، معمولاً هر وقت سخن از تجسس، بی‌خردی و وحشیگری به اسم دین به میان می‌آمد، ذهن مخاطب متوجه جریان طالبان می‌شد. حتی در ادبیات عامه به برخی رفتارهای خشن و متحجرانه ظاهراً دینی، رفتارهای طالبانی گفته می‌شد. البته در ایجاد چنین تصویری از طالبان عوامل متعددی نقش داشتند که مهم‌ترین بخش زنددنی‌گری غربی (و به تبع آنها رسانه‌های بی‌تحلیل یا مغرض داخلی) منتشر می‌کردند، تشکیل می‌داد. همزمانی ظهور طالبان با سال‌های موسوم به اصلاحات در ایران که موجب عنان‌گسیختگی روشنفکران مغرض، جاهل و ضدانقلاب و ضددین شده بود و سوءاستفاده آنها برای حمله به جمهوری اسلامی (در قالب شبه‌نمایی نظام مقدس شیعی با نظام طالبانی) هم بر آتش این مهملات و تصاویر غلط می‌دمید. البته در کنار آن نباید از برخی عقده‌های قومیتی (که متأسفانه همچنان هم در بین افراد زیادی به چشم می‌خورد) و رویکرد زشت و چندان‌آور آنها نسبت به برادران همسایه غفلت کرد که این نیز



➤ **جمعی از نیروهای مسلح طالبان، پس از بازگشت دوباره به حکومت افغانستان**

عاملی اضافی برای هیولاسازی بیشتر از طالبان می‌شد. همه اینها دست به دست هم داده بود تا در ذهن مردم جهان (و ایران)، طالبان تبدیل به نماد جهل و خشونت شوند، آفر همه آنچه درباره طالبان گفته می‌شد، صحیح نبود، نه اینکه همه آنچه گفته می‌شد، غلط بود. با توجه به همین نکات و لزوم تصحیح تصور تاریخی از مخاطبان و همچنین با توجه به نقش آفرینی هرچه بیشتر طالبان در کشور برادر و همسایه ما (افغانستان عزیز) در برهه اخیر، ضرورت بازخوانی تجربه طالبان خودنمایی می‌کند. کتاب حاضر، گامی است در همین مسیر. فقهی هویدی نویسنده و روشنفکر اسلام‌گرای مصری (که شخصیتی شناخته‌شده در سطح جهان و همچنین در کشور ما دارد)، جریان دو سفر خود به افغانستان در دوران حکمرانی طالبان و تحلیل‌هایش از اوضاع و احوال این کشور در آن زمان را در این کتاب به قلم آورده است. در برشی از کتاب می‌خوانیم: انسان در وحله اول حیرت‌زده می‌شود، وقتی می‌بیند جنبش طالبان تصویر و موسیقی را با این عنوان که از منکرات تحریم شده شروع هستند، ممنوع اعلام کرده، ولی موادخدر را جایز دانسته و وجهی برای حرام شمردن آن نیافته است! این معمای حیرت‌انگیز به قدری ذهنم را مشغول کرده بود که هر فرصتی برای پرسش درباره تفاوت این دو موضوع یافتم با همه وجود از آن استفاده کردم. همین پرسش‌های متعدد، باعث شد یک‌سری پاسخ به دست بیاورم که فکر می‌کنم شایان اهتمام و بررسی دقیق محسوب می‌شود. طبیعتاً برای مسلمانان خیلی خرسندکننده نیست که تنها امارات اسلامی در زمان ما بزرگ‌ترین تولیدکننده موادخدر و صادرکننده اول آن در سراسر جهان باشد. اینطور اول بودن، خیلی فرقی با حالت رهبر فلان گروه فمائیبی ندارد که روزنامه‌ها اخبارش را در صفحه اول می‌منتشر می‌کنند. نه به دلیل مهم بودنش، بلکه به این دلیلی که بسیار خطرناک و شدیدا تحت تعقیب است. می‌شود گفت که افغانستان اسلامی این صدرنشینی را به غلط به دست آورده و شایستگی صدرنشینی‌های دیگری را دارد و طبعاً با آن صدر نشینی‌ها، محترم‌تر خواهد بود…»



نگاهی به جنگ روانی غرب با ایران در دوران ۸ سال دفاع مقدس

وقتی آتشبار دروغ همپای بمب و موشک فعال شد!

■ **انوشه میرمر عشی**

جنگ تر کیبی، جنگی است که دو طرف متخاصم در ایجاد گوناگون با هم در گیر می‌شوند. ابعادی دارد شامل بخش‌های نظامی، روانی و رسانه‌ای، سایبری، دیپلماسی و سیاسی و از این قبیل. ما در دوران هشت ساله دفاع مقدس و در ابعادی

کوچک تر، جنگ تر کیبی را به ویژه در بخش جنگ نظامی، روانی و اطلاعاتی در ک کردیم،

اما با گذشت زمان و پیچیده تر شدن دشمنی صهیونیسم بین‌الملل (به رهبری آمریکا) با نظام

جمهوری اسلامی ایران به ویژه در سال‌های اخیر درگیر یک جنگ تر کیبی در ابعاد بسیار گسترده تر شده‌ایم. جنگی که می‌توانیم در بخش اطلاعاتی، روانی و رسانه‌ای با درس‌گیری از تجربه تاریخی دفاع مقدس هشت ساله به خنثی‌سازی حملات دشمن در آن بپردازیم و پیروز میدان نبردش باشیم. در مقالی آمده‌نگاهی داشته‌ایم به برخی محورهای جنگ روانی-ادعاهای پزوهان نظام جمهوری اسلامی در دوران هشت سال دفاع مقدس و تهمت‌هایی که به ایران اسلامی وارد کردند و امروز دروغ‌پودن آنها کاملاً بر جهانیان مشخص شده است: امید آنکه تاریخ پژوهان معاصر و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

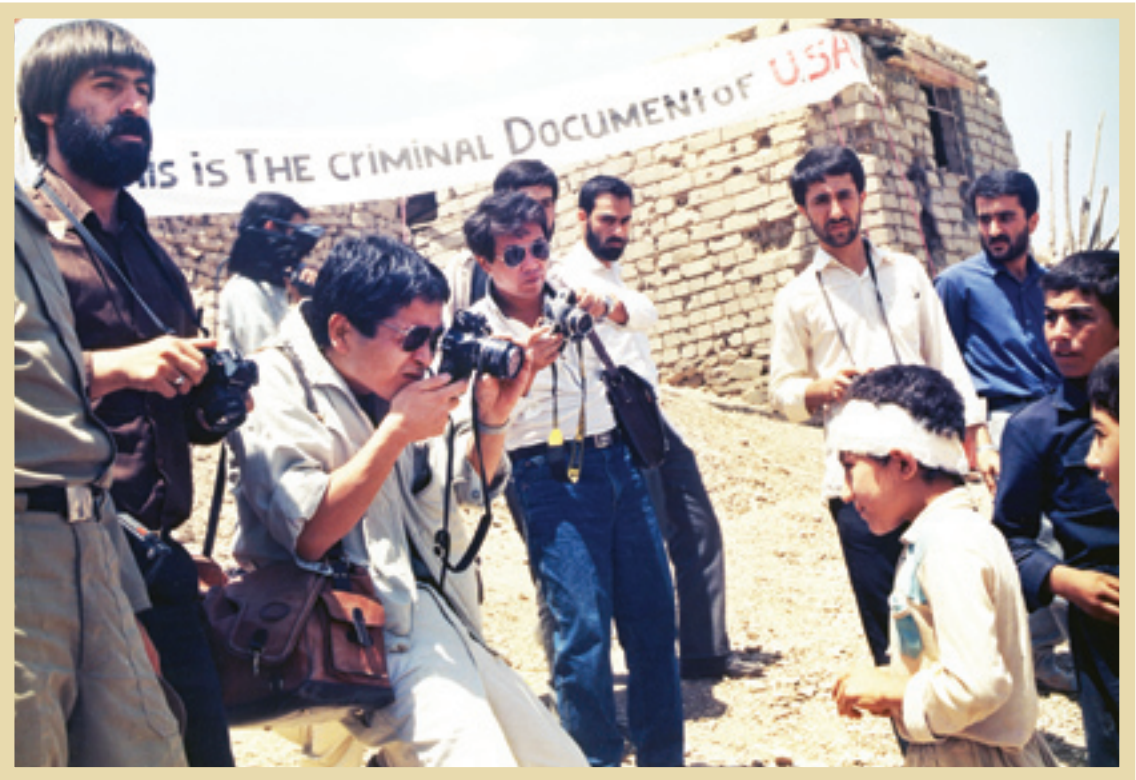
■ **تهمت‌های صدام به ایران قبل از آغاز جنگ تحمیلی**

یکی دو ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام‌خمینی(ره)، صدام حسین رئیس‌جمهور دیکتاتور عراق – که شدیداًز تأثیر‌پذیری مردم عراق از انقلاب اسلامی ایران می‌ترسید- ادعاهای پزوهان را مبنی بر قصد ایران برای حمله به عراق مطرح می‌کرد.او در سخنرانی‌هایش می‌گفت که ایرانی‌ها می‌خواهند «امپراطوری فارسی» در خاورمیانه (منطقه غرب آسیا) برپا کنند و دشمن عرب‌ها هستند! یا اینکه ادعا می‌کرد ایران قصد تجاوز به خاک کشورهای عربی همسایه‌اش را دارد، یا اینکه می‌گفت انقلاب ایران انقلاب کفر است و مبعالتی از این قبیل! او به این ترتیب، ترس عمیق خود از تحول فکری دینی مردم ایران و مهم‌تر از آن نگاه مثبت مردم عراق به انقلاب اسلامی را بروز می‌داد. این در حالی بود که از یک طرف نظام جمهوری اسلامی از همان ماه‌های ابتدایی شکل‌گیری، به شدت درگیر مبارزه با عناصر ضدانقلاب و خائنان

رسانه‌های غربی، در باره ماجرای بمباران شیمیایی حلبچه در ابتدا اعلام کردند که **ایران به این شهر بمب شیمیایی زده است!** اما زمانی که خبر‌نگاران خارجی هم‌راه با رزمندگان اسلام به حلبچه رفته و مصاحبه مردم آن دیار درباره بمباران جنگنده‌های عراقی منتشر شدند، رسانه‌های غربی حاضر نشدند تا عراق را تنها عامل استفاده از بمب‌های شیمیایی اعلام کنند

تاریخ

تاریخ ۶۰۴۰۲۳۸۸۵



تصویربرداری خبرنگاران خارجی از کودکان مصدوم در حمله عراق به مناطق مسکونی

غرب و همپیمانان آن در منطقه در طول سالیان دفاع مقدس، تهمت‌های عجیبی به نظام جمهوری اسلامی و رهبری آن وارد کردند که دروغ بودن آنها در طول زمان مشخص شد. آن واقعه تاریخی، این درس را برای امروز ما به یادگار گذاشت تا در جنگ فعلی با صهیونیسم بین‌الملل، با تمام قوا در عرصه رسانه و جنگ شناختی برای خنثی‌سازی توطئه‌های آنها و رساندن پیام جبهه حق به جهان تلاش کنیم

سقوط هواپیما را به همراه داشت و در گزارش کوتاه شفاهی خود به صدام گفت که کوشش تحقیقات گسترده‌ای انجام داده و به این دلیل قاطع رسیده است که موشک اصابت کرده به هواپیمای وزیر امور خارجه الجزایر از یک داد: اجزایی از موشک در خاک ایران افتاده و پیدا شده، از جمله بخشی که شماره سریال موشک در آن درج شده است و کشور شعروی تأیید کرده است که این موشک در چارچوب قراردادی موشکی میان مسکو و بغداد به عراق فروخته شده است... سپس صدام این پرونده را تحویل گرفت و در قبال سخنان وزیر حمل‌ونقل الجزایر، اظهار نظری نکرد و درباره نتایج تحقیقات، یک کلمه حرف نزد که این موضع‌گیری وی عجیب بود، زیرا اگر از تحقیقات با نتایج آن شکایت داشت، می‌توانست بگوید که درباره موضوع تحقیق خواهیم کرد یا به طور کامل آن را رد می‌کرد و نمی‌پذیرفت...^(۱)». به این ترتیب و در حالی که برای کشور الجزایر، صدام و کشورهای عربی و سران کشورهای غربی مسجل شده بود که ایران در آنها حادته هیچ تقصیری ندارد، رسانه‌های غربی و عربی با راه سکوت در پیش گرفتند تا به دروغ‌گویی و تهمت‌زنی‌شان به ایران ادامه داند!

■ **تهمت استفاده ایران از سلاح‌های شیمیایی**

دولت رونالد ریگان در دوران جنگ هشت ساله تحمیلی، «دونالد رامسفلد» وزیر دفاع خود را در سال‌های ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴ (۱۳۶۲ و ۱۳۶۳.ش)، به عراق فرستاد و نام این کشور را از کشورهای حامی ارتدادساز ی خرمشهر آغاز شده بود. در آن موقعیت «محمدبن یحیی» وزیر امور خارجه کشور الجزایر به نمایندگی از شاذلی بن جدید، برای میانجیگری بین دو کشور تحرکاتی را شروع کرد بود. وی در ابتدا سفری را در اول اردیبهشت به بغداد انجام داد و دو هفته بعد برای دیداری پنج روزه و مذاکره با مقامات ایرانی راهی کشورمان شد، اما دقیقاً در ظهر روز ۱۳ اردیبهشت سال ۶۲، هواپیمای حامل محمدبن یحیی وزیر امور خارجه الجزایر به بغداد افری ورود به آسمان ایران، در فضای استان آذربایجان غربی مورد حمله جنگنده‌های عراقی قرار گرفت و سرنگون شد! در این حمله هر ۱۶ نفرشین هواپیما کشته شدند! در همان ساعات اول، رسانه‌های غربی و عربی، ایراد اتهام به کشورمان را آغاز کردند. آنان نیروی نظامی ایران را مسئول ساقط کردن آن هواپیما و کشته‌شدن مسافران آن اعلام می‌کردند! این در حالی بود که مسئولان ایران، به جلد دست داشتن در ساقط کردن هواپیمای حامل بن‌یحیی را تکذیب و بعضی‌ها را مقصر آن حادثه عنوان می‌کردند. ایران حتی از ناظران بین‌المللی خواست که برای مشخص شدن مقصر ساقط کردن هواپیما، به ایران بیایند تا به بررسی مدارک بپردازند. نهایتاً با پیگیری‌های فراوان دستگاه دیپلماسی ایران، این اتفاق افتاد و تمامی مدارک در اختیار نمایندگان کشور الجزایر و ناظران بین‌المللی قرار گرفت، اما باز هم رسانه‌های غربی و عربی همچنان ایران را مقصر آن حادثه اعلام می‌کردند!

سال‌ها بعد از سقوط صدام، حامد علوان الجبوری مسئول دفتر ناوبره در یک مصاحبه اعتباراف کرد: «بعداز گذشت مدت زیادی، وزیر حمل و نقل الجزایر به عنوان فرستاده شاذلی بن جدید رئیس‌جمهور کشورش به عراق آمد و صدام وی را در حضور من به حضور پذیرفت. وزیر حمل‌ونقل الجزایر، پرونده بسیار بزرگی از نتایج تحقیقات این کشور درباره ایران از سلاح‌های شیمیایی آن هم براساس اطلاعاتی که تحلیلگران سازمان سیا ارائه کرده بودند، همچنان مطرح می‌شد، این در حالی بود که هیچ‌گاه مأموران سازمان ملل، نتوانستند سندی برای اثبات این ادعاها به رسانه‌های جهان ارائه کنند.»

■ **ماجرای حلبچه و تکرار ادعاهای دروغ صدام و غرب**

پس از عملیات والفجر ۱۰ و پیروزی‌هایی که رزمندگان اسلام در جبهه‌های غرب به دست آوردند، صدام در حمله‌ای وحشیانه، منطقه حلبچه عراق را در تاریخ ۲۵ اسفند ۱۳۶۶.ش مورد بمباران شیمیایی قرار داد. بهانه او برای این حمله، همکاری مردمان کرد آن سامان با رزمندگان اسلام بود. اخبار و عکس‌های این حمله وحشیانه، از سوی رسانه‌های ایرانی در جهان انعکاس پیدا کرد و حتی صدام پس از

بمباران شیمیایی حلبچه، به رغم اعتراضات مردمی در جهان، در روز نهم فروردین ۶۷ تهدید کرد که علیه شهرهای ایران هم از همان سلاح‌های شیمیایی استفاده خواهد کرد! جالب این بود که رسانه‌های غربی درباره ماجرای بمباران شیمیایی حلبچه در ابتدا اعلام کردند که ایران به حلبچه بمب شیمیایی زده است! اما زمانی که خبرنگاران خارجی همراه با رزمندگان اسلام به شهر حلبچه رفته و مصاحبه مردم آن دیار درباره بمباران شیمیایی منطقه از سوی جنگنده‌های عراقی منتشر شد، رسانه‌های غربی حاضر نشدند تا عراق را تنها عامل استفاده از بمب‌های شیمیایی اعلام کنند! حتی مدتی بعد ژاناس اطلاعات دفاعی آمریکا با انتشار یک سند طبقه‌بندی شده دروغ، ایران و عراق را به یک اندازه در حمله به حلبچه مقصر اعلام کرد! این در حالی بود که ایران در آن زمان به کرات اعلام می‌کرد که اصلاً بمب شیمیایی ندارد و اگر داشت هیچ وقت از آن استفاده نکرده و نخواهد کرد.

به هر حال پس از گذشت چندین سال و بعد از مدت‌ها تحقیق، سازمان ملل و رسانه‌های دنیا مجبور شدند که به دروغ بودن آن ادعاها اعتراف کنند. دلیل این اعتراف هم این بود که بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ ازسوی ایران و آتش‌بس و به ویژه پس از حمله صدام به کویت، منافع غرب به خطر افتاد و به یکباره رسانه‌های جهان شروع به موضع‌گیری علیه صدام و اقدامات او کردند و در گزارش‌ها و تحلیل‌های خود به استفاده صدام از بمب‌های شیمیایی و میکروبی در طول هشت سال دفاع مقدس علیه ایران و در حلبچه اعتراف کردند. آنها مجبور شدند به مسئولیت ایران در این قضیه و استفاده نکر دنش از سلاح‌های ممنوعه اشاره و حتی تصریح کنند.^(۵)

■ **تهمت خرید سلاح از رژیم صهیونیستی**

یکی از عقده‌های مهم صدام در طول سال‌های دیکتاتوری اش، تلاش برای مطرح شدن نامش به عنوان رهبر جهان عرب و رقابت با محبوبیت جمال عبدالناصر (رئیس‌جمهور ملی‌گرای مصر) در کشورهای عربی بود. از آنجا که یکی از عوامل مهم محبوبیت عبدالناصر در جهان عرب، مواضع ضدصهیونیستی او و جنگش با اسرائیل بود، صدام هم همیشه‌اطوار ضدصهیونیستی به خود می‌گفت! اما پس از پیروزی انقلاب و آشکار شدن مواضع بینانگذاذ نظام جمهوری اسلامی ایران و مردم انقلابی آن درباره فلسطین و اعلام رسمی دشمنی ایران با رژیم صهیونیستی و ایضا انعکاس وسیع آن در سطح جهانی، علما‌شعارها و اطوار-شاهای صدام علیه اسرائیل به حاشیه رفته بود. صدام برای جبران این سرگردگی و با کمک رسانه‌های غربی، ادعای دروغ خرید سلاح از سوی ایران از رژیم صهیونیستی در دوران جنگ را چندین بار مطرح کرد. دروغ شاخاداری که در همان زمان، با عکس‌العمل شدید امام‌خمینی(ره) مواجه شد: «آنها ما را متهم می‌کنند، به اینکه ما از اسرائیل اسلحه می‌آوریم. ما اسرائیل را قابل آدم نمی‌دانیم، تا اینکه با او یک ربطی داشته باشیم. ما بیش از ۲۰ سال است که هرجا صحبت شده و در هر جا اعلامیه پخش شده است، یکی از اموری که در رأس اسامیه صدام بوده، اسرائیل بود و در این اسرائیل... این یک حرف پوچ بچگانه است که به خیال خودشان می‌خواهند ما را در بین ممالک اسلامی، طرفدار اسرائیل حساب کنند، در صورتی که ما ساز اوی که در ایسن امور و در این نهضت وارد شدیم، یکی از مسائل مهم ما این بود که اسرائیل باید از بین برود و آنها نمی‌توانند که یک همچو مطلب فاسدی را به کرسی بنشانند. لکن این ادعاهای صدام را خارج کشور امدانند اینجا بررسی کنند این مسائل را ببینند که ما با سلاح اسرائیل می‌خواهیم جنگ بکنیم، یا با سلاح ایمان جنگ می‌کنیم...^(۳)»

■ **کلام آخر**

غرب و همپیمانان آنها در منطقه، در طول سال‌های دفاع مقدس، تهمت‌های عجیب و شگفت‌انگیزی به نظام مقدس جمهوری اسلامی و رهبری بزرگ آن وارد کردند که دروغ بودن همه آنها در طول زمان مشخص شد. آن واقعه تاریخی، این درس را برای امروز ما به یادگار گذاشت تا در جنگ فعلی با صهیونیسم بین‌الملل با تمام قوا در عرصه رسانه و جنگ شناختی با دشمن، برای خنثی‌سازی توطئه‌های آنها و رساندن پیام جبهه حق به جهان تلاش کنیم.

منابع:

۱- طارق عزیز معاون صدام، در ۲۸ آوریل ۱۹۹۴ در روستای «تل کیف» از توابع استان موصل از پدر و مادری مسیحی متولد شد. نام اصلی وی «حنا میخائیل» بود. وی در سال‌های دفاع مقدس فرد مرتبط میان رژیم بعثی عراق با امریکا برای خرید سلاح‌های شیمیایی از کشورهای غربی بود.

۲- بی‌نام، مقاله «عملیات روانی- هدف، فتح تهران در هفت روز»، فصلنامه فرهنگ پایدار، شماره یک، تابستان ۱۳۸۷.ش، ص ۱۱۴ تا ۱۱۶.

۳- خضاب، وحید، «زیر پوست جنگ»- جنگ تحمیلی به روایت صلاح عمرالعلی، حامد العلوان الجبوری و نزار عبدالکریم الخرجی- نشر ناگل، چاپ سوم ۱۴۰۱.ش، ص ۶۵ تا ۶۵.

۴- بی‌نام، مقاله «حراز قضایی استفاده از سلاح‌های شیمیایی در طول جنگ تحمیلی علیه ایران»، فصلنامه حقوقی بین‌المللی، شماره ۲۴، مورخ بهار و تابستان ۱۳۸۵.ش، ص ۲۱۱ تا ۲۲۲.

۵- خضاب، «زیر پوست جنگ»، ص ۹۴ تا ۹۴

۶- صفحه امام جلد ۱۵، ص ۱۲۹ و ۱۲۰ (مورخ ۲ شهریور ۱۴۰۰.ش)

نمای از قتل عام مردم حلبچه در بمباران شیمیایی آن در صدام